



# حج ابراهیمی و مبانی آن

از دیدگاه امام خمینی - قدس سره -

محمّد سبحانی نیا

مدّ نظر دارد.

امام راحل علیه السلام می فرماید:

«گردش به دور خانه خدا نشان دهنده این است که به غیر از خدا گرد دیگری نگردید و رجم عقبات، رجم شیاطین انس و جنّ است. شما با رجم، با خدای خود عهد کنید تا شیاطین انس و ابهر قدرت‌ها را از کشورهای اسلامی عزیز برانند.»<sup>۲</sup>

و در جای دیگر می فرماید:

«در سعی بین صفا و مروه، با صدق و صفا سعی در یافتن محبوب کنید که با یافتن او، همه بافت‌های دنیاوی گسسته شود و همه شک‌ها و تردیدها فرو ریزد و همه خوف و رجا‌های حیوانی زایل شود... پس به منا روید و آرزوهای حقانی را در

## حج ابراهیمی و غیر ابراهیمی

مراد از حج ابراهیمی همان حجی است که خداوند متعال آن را بر بندگانش واجب کرد و اعلام آن را از ابراهیم خلیل الرحمن خواست؛ «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ»<sup>۱</sup> و رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در زمان خود آن را احیا نمود. بنابراین، حج ابراهیمی همان حج حقیقی و واقعی است که با انگیزه‌ای خاص و جهت تحقق فلسفه مهم آن، که اظهار عبودیت الهی و نفی شرک و الحاد و رسیدن به قلّه کمال و سعادت است، انجام می‌گیرد. حج ابراهیمی تنها به انجام مناسک و اعمال ظاهری نمی‌انداشد، بلکه افزون بر آن، به عمق و باطن اعمال نیز نظر می‌اندازد و در همه حالات، آنها را

آنجا دریابید که آن قربانی نمودن محبوب‌ترین چیز خویش در راه محبوب مطلق است.»<sup>۳</sup>

امام علیه السلام در تبیین حج غیر ابراهیمی (حج جاهلی) و یا حج آمریکایی می‌فرماید:

«چیزی که تا به حال از ناحیه آگاهان و یا تحلیل‌گران مغرض و یا جیره‌خواران، به عنوان فلسفه حج ترسیم شده است این است که حج یک عبادت دسته‌جمعی و یک سفر زیارتی-سیاحتی است. به حج چه که چگونه باید زیست و چطور باید مبارزه کرد و با چه کیفیت درمقابل جهان سرمایه‌داری و کمونیسم ایستاد. به حج چه که حقوق مسلمانان و محرومان را از ظالمین باید ستاند. به حج چه که برای فشارهای روحی و جسمی مسلمانان چاره‌اندیشی نمود. به حج چه که مسلمانان باید به عنوان یک نیروی بزرگ و قدرت‌سوم جهان، خودنمایی کنند. به حج چه که مسلمانان را علیه حکومت‌های وابسته بشوراند، بلکه حج همان سفر تقریحی برای دیدار از قبله و مدینه است و بس!»<sup>۴</sup>

امام علیه السلام بلافاصله به حج ابراهیمی اشاره می‌کند و می‌فرماید:

«حج برای نزدیک شدن و اتصال انسان به

صاحب‌خانه است و حج تنها حرکات و اعمال و لفظ‌ها نیست و با کلام و لفظ و حرکت خشک انسان به خدا نمی‌رسد. حج کانون معارف الهی است که از آن محتوای سیاست اسلامی را در تمام زوایای زندگی باید جستجو نمود. حج پیام‌آور ایجاد و بنای جامعه‌ای به دور از رذایل مادی و معنوی است.

حج تجلی و تکرار همه صحنه‌های عشق‌آفرین زندگی یک انسان و یک جامعه متکامل در دنیا است.»<sup>۵</sup>

حج ابراهیمی تنها یک مناسک خشک و بی‌روح نیست بلکه سیر و سلوک معنوی و عرفانی و طی منازل روحانی و دربرگیرنده ابعاد مختلف عبادی، سیاسی و اجتماعی است. امام راحل علیه السلام احیاکننده حج ابراهیمی بر این موضوع تأکید ورزیدند و در پیام‌ها و سخنرانی‌ها، فراگیر بودن این عبادت بزرگ را گوشزد نمودند و چه بسا با توجه به ابعاد گسترده حج است که بر این فریضه عظیم تأکید فراوان شد و قرآن مجید آن را حق مستقیم خداوند بر بندگان خواند، آنجا که فرمود: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا...﴾

«حج خانه خدا، حق خدا بر مردم است،

کسانی که استطاعت آن را دارند.»<sup>۶</sup>



شرق و غرب را در هم می‌شکنند و معنای قیام ناس و حقیقت برائت از مشرکان را عرضه می‌دارند.<sup>۸</sup>

امام راحل علیه السلام حجی را که مشتمل بر ابعاد مذکور نباشد حج واقعی نمی‌داند و می‌فرماید:

«حج بی‌روح و بی‌تحرك و قیام، حج

بی‌برائت، حج بی‌وحدت و حجی که از آن هدم کفر و شرک برنیاید حج نیست.»<sup>۹</sup>

برای تبیین اندیشه امام علیه السلام بحث را در سه بخش مستقل پی می‌گیریم:

### الف - بعد معنوی حج ابراهیمی:

یکی از اساسی‌ترین ابعاد حج ابراهیمی، بعد معنوی و عرفانی آن است. حج میعاد عاشقان کوی الهی و شیفتگان وصل دوست و ورود به محضر خداست؛ امام رضا علیه السلام اولین خصوصیت حج را همین امر ذکر می‌کند و می‌گوید:

«عِلَّةُ الْحَجِّ الْوِفَادَةُ إِلَى اللَّهِ.»

آنچه موجب وجوب حج گشته سفر معنوی به سوی خداوند عز و جل است.<sup>۱۰</sup>

امام بزرگوار در این باره می‌گوید:

«توجه داشته باشید که سفر حج سفر کسب نیست، سفر تحصیل دنیا نیست،

از این رو است که رهبر و دولت اسلامی موظف است در صورتی که حج تعطیل شود، مردم را به انجام آن مجبور کند و اگر توان مالی نداشتند از بیت‌المال امکان تشرّف را برایشان فراهم آورد تا خانه خدا خالی از زائر نباشد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«لَوْ عَطَّلَ النَّاسَ الْحَجَّ لَوَجَبَ عَلَيَّ الْإِمَامُ أَنْ يَجْبِرَهُمْ عَلَى الْحَجِّ إِنْ شَاءُوا وَإِنْ أَبَوْا فَانْ هَذَا الْبَيْتُ وَضِعَ لِلْحَجِّ.»

«اگر مردم حج را تعطیل کنند، بر امام واجب است آنان را به حج وادارد چه بخواهند و چه نخواهند؛ زیرا این خانه برای حج نهاده شده است.»<sup>۷</sup>

امام راحل علیه السلام با استفاده از کتاب وسنت، ابعاد مختلف حج را به مسلمانان معرفی کرد و به قول یکی از بزرگان، حج را در عصر حاضر اقامه نمود. در یکی از سخنرانی‌هایش می‌فرماید:

«بیت الله الحرام و کعبه معظم، زائرین عزیزی را در آغوش می‌کشد که حج را از انزوای سیاسی و انحراف اساسی به سوی حج ابراهیمی و محمدی سوق داده و حیات آن را تجدید می‌نمایند و بت‌های

می گوید:

«حجاج محترم مواظب باشند که رضای غیر خداوند را در اعمال خود شرکت ندهند و جهات معنوی حج بسیار است و مهم آن است که حاج بدانند که کجا می رود و دعوت کی را اجابت می کند و میهمان کیست و آداب این میهمانی چیست و بدانند هر خودخواهی و خودبینی با خداخواهی مخالف است و با هجرت الی الله مبین و موجب نقص معنویت حج است.»<sup>۱۳</sup>

حج کلاس تهذیب نفس و میدان نبرد با شیاطین درون و برون است. هریک از مناسک و مشاعر گامی در جهت غنای روحی، سعه صدر و کسب فضایل اخلاقی است و در حقیقت حج فرار انسان از ظلمت به سوی نور است. امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه مبارکه *فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ* می گوید: «*من الظلمة إلى الحج*»؛ «به سوی خدا بگریزید»؛ یعنی از ظلمت به حج رو آورید.<sup>۱۴</sup>

قرآن مجید فلسفه قربانی را که یکی از مناسک حج است رسیدن به تقوا می داند و می گوید:

﴿لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَائُهَا  
وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ﴾

سفر الی الله است شما دارید به طرف خانه خدا می روید تمام اموری که دارید انجام می دهید به طور الوهیت باید انجام بدهید سفرتان از اینجا که شروع می شود و فد الی الله است. سفر به سوی خدای تبارک و تعالی است.»<sup>۱۱</sup>

این کلام برگرفته از سخن معصوم است؛ علی علیه السلام می گوید: «*الحاجَّ وَالْمُعْتَمِرَ وَفُدَّ اللَّهُ وَحَقَّ عَلَى اللَّهِ تَعَالَىٰ أَنْ يُكْرِمَ وَفَدَّهُ وَيُحِبُّهُ بِالْمَغْفِرَةِ*».

«کسانی که حج یا عمره بجا می آورند واردین بر خدا هستند و حق است بر خداوند متعال که واردین خود را اکرام کند و با مغفرت و آمرزش آنها اظهار محبت نماید.»<sup>۱۲</sup>

بعد معنوی حج آن وقت معلوم می شود که با عبادات دیگر مقایسه شود. حج با مناسک خاص خود، ریاضت های خاصی را داراست که در تزکیه نفس و ارتقای درجات معنوی مؤثر است؛ ترک وطن، گذشتن از مال، تجدید پیمان حضور در مشاعر و دور شدن از آمال و آرزوها و ترک منیت و خودخواهی و خودکامگی و غیره، از جمله آن ریاضت هاست. حضرت امام علیه السلام جهات معنوی حج را متذکر شده،



از سیاسی و اجتماعی را متوقف بر تحقق  
بعد معنوی حج می‌داند و می‌گوید:

«بعد سیاسی و اجتماعی آن حاصل  
نمی‌گردد مگر آن که بعد معنوی و الهی آن  
جامه عمل پوشد و لیبیک‌های شما جواب  
دعوت حق تعالی باشد و خود را محرم  
برای وصول به آستانه محضر حق تعالی  
نمایید و لیبیک‌گویان برای حق نفی شریک  
به همه مراتب کنید و از خود که منشأ  
بزرگ شرک است به سوی او جل و علا  
هجرت نمایید... و اگر جهات معنوی به  
فراموشی سپرده شود گمان نکنید که  
بتوان از چنگال شیطان نفس رهایی  
یابید و تا در بند خویشتن خویش و  
هواهای نفسانی خود باشید نمی‌توانید  
جهاد فی سبیل الله و دفاع از حریم الله  
نمایید.»<sup>۱۷</sup>

### ب - بعد اجتماعی حج ابراهیمی:

یکی از مهم‌ترین ابعاد حج که وجه  
ممیز حج ابراهیمی با حج غیر ابراهیمی  
است بعد اجتماعی، حج است. از آنجا که  
اسلام دینی اجتماعی است احکامی که در  
این دین وضع شده خالی از بعد اجتماعی  
نیست، حتی اگر به صورت فردی اقامه  
گردد و نمونه بارز آن حج است. قرآن مجید  
در این باره می‌گوید:

«گوشت‌ها و خون‌های این قربانیان هرگز  
به خدا نمی‌رسد بلکه آنچه به خدا می‌رسد  
تقوا و پرهیزکاری است.»

در روایات اسلامی بار معنوی حج  
آن‌چنان است که بدون آن حج معنایی ندارد  
و اطلاق حاج بر کسی که به این بعد  
انسان‌ساز توجه نداشته باشد، نادرست  
است. در مراسم حج شخصی خدمت امام  
سجاد علیه السلام عرض کرد: «ما أكثر الحجج». حج‌گزاران چه بسیارند! حضرت در پاسخ او  
گفت: «ما أكثر الضجج وأقل الحجج»؛  
«چقدر ناله‌ها زیاد است و حاجی کم.»<sup>۱۵</sup> سفر  
حج فرصت مناسبی برای خودسازی و  
پرورش فضایل اخلاقی است.

امام راحل علیه السلام احیاگر حج ابراهیمی در  
عصر حاضر، برای دستیابی به مقاصد  
معنوی حج، عمل کردن به مناسک به‌طور  
صحیح را مورد تأکید قرار داده، می‌گوید:

«مراتب معنوی حج که سرمایه حیات  
جاودانه است و انسان را به افق توحید و  
تنزیه نزدیک می‌نماید، حاصل نخواهد  
شد مگر آنکه دستورات عبادی حج  
به‌طور صحیح و شایسته و موبه‌مو عمل  
شود.»<sup>۱۶</sup>

همچنین حصول ابعاد دیگر حج؛ اعم

در روایتی از امام رضا علیه السلام، منافع سرشار حج و ابعاد عبادی - اجتماعی آن ذکر شده است. آن حضرت پس از ذکر منافع معنوی، به منافع مادی می پردازد و می گوید:

«تجدید الحقوق وخطر الأنفس عن الفساد و منفعة من في المشرق و المغرب و من في البر و البحر و ممن يحج و ممن لا يحج من تاجر و جالب و بايع و مشتري و كاتب و مسكين و قضاء حوائج أهل الأطراف المواضع الممكن لهم الاجتماع فيها كذلك ليشهدوا منافع لهم».<sup>۲۱</sup>

«در این سفر زائر بیت موفق به تجدید حقوق و ادا کردن نفس به تقوا و حفظ نفس از فساد می گردد. این سفر منبع خیر و برکت برای اهل شرق و غرب و اهل آب و خشکی است و نیز برای کسی که حج می گزارد و آن که در این مسیر نسیت از تاجر فراهم کننده جنس و فروشنده و خریدار و نویسنده و از کار افتاده و خلاصه برنامه حج، برآورنده حوائج مردم اطراف آن سرزمین و مواضعی است که اجتماع برای اهل آن ممکن است تا شاهد بهره های آن برای خود باشند».

به طور کلی می توان ابعاد اجتماعی

﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ \* لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا أَشْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ...﴾.<sup>۱۸</sup>

«مردم را برای حج دعوت کن تا پیاده و سواره بر مرکب های لاغر از هر راه دور بیایند تا شاهد منافع گوناگون خویش باشند و نام خدا را در ایام معینی ببرند».

آیه فوق به صراحت بیان می کند که حج مشتمل بر منافع دنیوی و اخروی است، چون هیچگونه محدودیتی در واژه «منافع» نیست. تمام منافع و برکات معنوی و مادی و فواید فردی و اجتماعی را شامل می شود و در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که آن حضرت گفت: «منافع دنیا و منافع آخرت، هر دو را در بر می گیرد».<sup>۱۹</sup>

در آیه دیگر قرآن مجید می فرماید: ﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ﴾؛ «خداوند کعبه، بیت الحرام را وسیله ای برای سامان بخشیدن به کار مردم قرار داده است».<sup>۲۰</sup>

با توجه به وسعت معنای «قیاماً للناس»، مسلمانان می توانند در پناه این خانه و دستور سازنده حج کارهای خود را سامان بخشند.



حج ابراهیمی را در چند محور مورد بررسی قرار داد:

خواهران دینی و اسلامی خود از سراسر جهان آشنا می‌شوند.»<sup>۲۳</sup>

### ۱- شناخت ملل مختلف و ارزیابی امکانات:

البته این آشنایی و معارفه زمینه بررسی مشکلات امت اسلامی را فراهم می‌کند.

موسم حج مناسب‌ترین و بهترین فرصت برای آشنایی و ارتباطات مسلمانان با یکدیگر است. امام صادق<sup>علیه السلام</sup> در پاسخ به پرسش علت تشریح حج می‌گوید:

امام همچنین می‌فرماید:

«حج برای این است که مشکلات یک سال مسلمین را بررسی کنند و درصدد رفع مشکلات برآیند.»<sup>۲۴</sup>

«إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْخَلْقَ... وَأَمَرَهُمْ بِمَا يَكُونُ مِنْ أَمْرِ الطَّاعَةِ فِي الدِّينِ وَ مَصْلَحَتِهِمْ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاهُمْ فَجَعَلَ فِيهِ الْإِجْتِمَاعَ مِنَ الشَّرْقِ وَالْعَرَبِ وَ لِيَتَعَارَفُوا».

بر این اساس در طول تاریخ حتی در دوران‌های خفقان باری که خلفا و سلاطین جور اجازه نشر احکام اسلامی را به مسلمانان نمی‌دادند، آنها با استفاده از این فرصت، مشکلات خود را حل می‌کردند و با تماس گرفتن با ائمه معصوم<sup>علیهم السلام</sup> و علمای بزرگ دین، معضلات فکری و فرهنگی خود را برطرف می‌ساختند.

«خداوند مردم را آفرید... و آنچه از دستورهای دینی و مصلحت‌های دنیوی آنان بود مقرر داشت. پس حج را تشریح کرد تا مردم از شرق و غرب گرد هم آیند و با یکدیگر آشنا شوند.»<sup>۲۲</sup>

### ۲- تحکیم وحدت بین مسلمانان:

در میان احکام اجتماعی اسلام، شاید کمتر مسأله‌ای را بتوان یافت که به اندازه «وحدت» از آن سخن رفته باشد. دهها آیه قرآن به صورت مستقیم و غیرمستقیم درباره‌ی وجوب وحدت و پرهیز از اختلاف دیده می‌شود. در اینجا فقط به دو مورد

حج مرکز اجتماع سالانه جهانی مسلمانان است که در آن مراسم معارفه عمومی انجام می‌گیرد. امام راحل<sup>علیه السلام</sup> در این باره می‌گوید:

«حج بهترین میعادگاه معارفه ملت‌های اسلامی است که مسلمانان با برادران و

اشاره می‌کنیم:

قرآن مجید وحدت و تألیف بین قلوب را از نعمت‌های الهی می‌داند و می‌فرماید:

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا﴾.

«همگی به ریسمان خدا در آویزید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید که دشمنان یکدیگر بودید و او در میان دل‌های شما الفت داد و به نعمت او با هم برادر شدید و بر لبه پرتگاه آتش بودید و او شما را از آن برهاند.»<sup>۲۵</sup>

و از سوی دیگر قرآن مجید برای تفرقه و اختلاف عذاب شدیدی را در نظر گرفته است و می‌فرماید:

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾.

«مانند آنان نباشید که پس از آن که روشنگری‌ها برایشان آمد پراکنده شدند و با یکدیگر اختلاف ورزیدند و اینان عذابی سهمگین دارند.»<sup>۲۶</sup>

قرآن کریم وحدت را عامل اقتدار و شوکت امت اسلامی و تفرقه را عامل ضعف و ناتوانی دانسته می‌فرماید:

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾.

«از خدا و پیامبرش پیروی کنید و با یکدیگر نزاع نکنید که ناتوان می‌شوید و شوکت شما می‌رود.»<sup>۲۷</sup>

یکی از سیاست‌های قدرت‌طلبان در طول تاریخ ایجاد تفرقه میان مردم بوده است تا از طریق گل‌آلود کردن آب ماهی بگیرند. شعار «تفرقه بینداز و حکومت کن» حکایت از آن ترفند شیطانی دارد. برای مقابله با این سیاست استعماری، اسلام وحدت اسلامی را نه به‌عنوان تاکتیک و فریضه‌ای موقت، بلکه به‌عنوان استراتژی و اصل و فریضه ثابت مطرح نموده است. بر این اساس قرآن مجید می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾؛ «اللبته که مؤمنان با یکدیگر برادرند.»<sup>۲۸</sup>

برادری مسلمانان اقتضا می‌کند که با یکدیگر وحدت داشته باشند. در روایات بسیاری از معصومین علیهم‌السلام، موضوع وحدت امت اسلامی مطرح شده است. علی علیه‌السلام می‌فرماید:





است؛ منافع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی».<sup>۳۰</sup>

امام علیه السلام تحکیم وحدت بین مسلمانان را یکی از وظایف الهی در موسم حج می‌داند و می‌فرماید:

«باید توجه داشته باشید که این اجتماع بزرگ که به امر خداوند تعالی در هر سال در این سرزمین مقدس فراهم می‌شود، شما ملت‌های مسلمان را ملکف می‌سازد که در راه اهداف مقدسه اسلام مقاصد عالیة شریعت مطهره و در راه ترقی و تعالی مسلمانان و اتحاد و پیوستگی جامعه اسلامی کوشش کنید».<sup>۳۱</sup>

امام علیه السلام در سایه وحدت امت اسلامی، در پی ایجاد جبهه مستضعفین در اجتماع پرشکوه حج بودند و می‌فرمودند:

«از جمله وظایف در این اجتماع عظیم، دعوت مردم و جوامع اسلامی به وحدت کلمه و رفع اختلافات بین طبقات مسلمین است که خطبا و گویندگان و نویسندگان در این امر حیاتی اقدام نمایند و کوشش کنند در بوجود آوردن جبهه مستضعفین که با وحدت جبهه و وحدت کلمه و شعار «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» از تحت اسارت قسدرت‌های شیطانی و اجانب و استعمارگران و استثمارگران بیرون آیند

«الزُّمُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ أَيَاكُم وَالْفِرْقَةُ فَا نَ الشَّاذُّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذُّ مِنَ الْغَنَمِ لَذَنْبٌ».

«با اکثریت باشید که دست خدا با جماعت است و از تفرقه بپرهیزید که جدامانده از مردم بهره شیطان است همان‌گونه که گوسفند دورافتاده از گله نصیب گرگ بیابان است».<sup>۲۹</sup>

حال که به اهمیت این موضوع پی بردیم این پرسش مطرح می‌شود که چه موسمی بهتر از موسم حج و چه مکانی برتر از مکه برای تحقق این امر خطیر وجود دارد؟ امام راحل علیه السلام منادی حج ابراهیمی در این باره می‌گوید:

«این وحدت که اسلام شریف و قرآن کریم بر آن پافشاری کرده‌اند با دعوت و تبلیغ دامنه‌دار باید به وجود آید و مرکز این دعوت و تبلیغ مکه معظمه در زمان اجتماع مسلمین برای فریضة حج است که ابراهیم خلیل الله و محمد حبیب الله شروع و در آخر الزمان حضرت بقیه الله ارواحنا لمقدمه الفدا تعقیب می‌کند. به ابراهیم خلیل الله خطاب می‌شود که مردم را به حج بخوان تا برای شهود منافع خود، از همه اقطار بیایند. این منافع جامعه

و با اخوت اسلامی بر مشکلات غلبه پیدا کنند.»<sup>۳۲</sup>

### ۳- اهتمام به امور مسلمانان:

یکی از فرایض خطیر و اساسی که نشانهٔ مسلمانی است، اهتمام به امور مسلمانان است. از رسول خدا ﷺ روایت شده است که: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»؛ «هرکسی صبح کند و به امور مسلمانان همت نگمارد، مسلمان نیست.»<sup>۳۳</sup>

معنای حدیث آن است که اگر مسلمانی در میان مسلمانان زندگی بگذراند و در خدمت آنان نباشد، خودی حساب نمی‌شود و بیگانه است.

بر این اساس است که سعدی می‌گوید: «حکما گفته‌اند برادر که در بند خویش است نه برادر و نه خویش است.»<sup>۳۴</sup>

البته اهتمام به امور مسلمانان، به عنوان کلی است که یک سلسله فرایض دیگر، مانند اصلاح میان مردم، برآورده ساختن نیاز مردم و سود رساندن به آنان از مصادیق آن محسوب می‌شود. بدیهی است که تحقق این مقصود در سطح وسیع، در مراسم حج میسر است. امام خمینی رحمته الله علیه در این باره می‌فرماید:

«اکنون که موسم حج بیت الله الحرام است و مسلمین از اطراف جهان به زیارت خانهٔ خدا آمده‌اند، لازم است در خلال اعمال شریفهٔ حج به یکی از بزرگ‌ترین فلسفهٔ این اجتماع عظیم توجه داشته و به وضع اجتماعی و سیاسی کشورهای اسلامی رسیدگی کرد، و از گرفتاری‌های برادران ایمانی خود مطلع گشته و در رفع آن در حدّ وظیفهٔ اسلامی و وجدانی کوشش کنند. اهتمام به امر مسلمین از فرایض مهم اسلام است.»<sup>۳۵</sup>

حضرت امام رحمته الله علیه چاره‌جویی در مورد مشکلات امت اسلام، به‌ویژه مسألهٔ مهم فلسطین را وظیفهٔ خطیر حجاج می‌داند و می‌فرماید:

«امروز قبلهٔ اول مسلمین به دست اسراییل این غدهٔ سرطانی خاورمیانه، افتاده است. امروز برادران فلسطینی و لبنانی عزیز ما را با تمام قدرت می‌کوبد و به خاک و خون می‌کشد. امروز اسراییل با تمام وسایل شیطانی تفرقه‌افکنی می‌کند. بر هر مسلمانی لازم است که خود را علیه اسراییل مجهز کند! امروز کشورهای آفریقایی مسلمان ما زیر یوغ آمریکا و سایر اجانب و سرسپردگان آنان دست و پا می‌زنند. امروز آفریقای مسلمان صدای فریاد مظلومانهٔ خود را هرچه بیشتر بلند

می‌کنیم که فرموده است:

«اذا كان امراؤكم خياركم واغنياؤكم  
سمحاءكم وامركم شوري بينكم  
فظهر الأرض خير لكم من بطنها واذا  
كان امراؤكم شراركم  
واغنياؤكم بخلاءكم ولم يكن امركم  
شوري بينكم فبطن الارض خير لكم  
من ظهرها».

«هنگامی که زمامداران شما نیکانتان و  
توانگران شما سخاوتمندانان باشند و  
کارهایتان به مشورت انجام شود پس  
روی زمین از زیر زمین برای شما بهتر  
است اما هنگامی که زمامداران شما بدان  
و توانگران شما افراد بخیل باشند و  
کارهایتان به مشورت انجام نشود پس  
زیر زمین از روی زمین برای شما بهتر  
است.»<sup>۴۰</sup>

وقتی علی علیه السلام خود را از مشورت  
بی‌نیاز نمی‌داند آنجا که می‌فرماید: «فلا  
تکفوا عن مقالة بحق أو مشورة بعدل».  
«از گفتن حق یا مشورت به عدل  
خودداری نکنید.»<sup>۴۱</sup> تکلیف آحاد جامعه  
اسلامی روشن می‌شود.

بر این اساس، هر حکومتی برای  
پیشبرد مقاصد خود در کنار قوای دیگر،  
قوه مقننه، که وظیفه قانون‌گذاری بر اساس

می‌کند. فلسفه حج باید جوابگوی این  
فریادهای مظلومانه باشد.»<sup>۳۶</sup>

در جای دیگر می‌فرماید:

«برای آزادی سرزمین اسلامی فلسطین  
از چنگال صهیونیسم، دشمن سرسخت  
اسلام و انسانیت، چاره‌اندیشی کنید.»<sup>۳۷</sup>

۴ - رایزنی و شور و مشورت و مبادله  
فرهنگی:

در اسلام شور و مشورت از جایگاه  
ویژه‌ای برخوردار است. در قرآن ضمن  
این که یک سوره «شوری» نامیده شده، در  
سه آیه به شورا پرداخته شده است. خداوند  
متعال به پیامبرش دستور می‌دهد که در  
امور اجتماعی با مردم مشورت کند و  
می‌فرماید: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ»؛ «و در  
کار با آنان مشورت کن»<sup>۳۸</sup>

و در آیه دیگر یکی از اوصاف مؤمنان  
را مشورت کردن می‌داند و می‌فرماید:  
«وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ يَتَّبِعُهُمُ الْكَاثِرُونَ»؛ «مؤمنان کارشان  
با مشورت با یکدیگر است.»<sup>۳۹</sup>

علاوه بر آیات، روایات بسیاری از  
ائمة اطهار علیهم السلام درباره مشورت وارد شده  
است که برای پرهیز از اطالة کلام، از ذکر  
همه آنها خودداری می‌کنیم و فقط به  
روایتی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بسنده

وَلَا يَنسِي».

«اجتماع مردم شرق و غرب را در آیین حج مقرر داشت تا آثار پیامبر ﷺ و اخبار او شناخته شود و مردم آنها را به خاطر آورند و هرگز فراموش نکنند.»

و سپس در آخر می فرماید:

«اگر هر قوم و ملتی تنها از کشور و بلاد خویش سخن بگویند و تنها به مسائلی که در آن است بپندیشند، همگی نابود می گردند و کشورهایشان ویران می شود. منافع آنها ساقط می گردد و اخبار واقعی در پشت پرده قرار می گیرد.»<sup>۴۲</sup>

امام راحل رحمته الله در این باره می فرماید:

«حجاج محترم جهان را دور هم گرد آورده و در مصالح اسلام و مشکلات مسلمین تبادل آراء نموده و در حل مشکلات و راه رسیدن به آرمان مقدس اسلام تصمیمات لازم را اتخاذ نمایند و راههای اتحاد بین همه طوایف و مذاهب اسلامی را بررسی کنید.»<sup>۴۳</sup>

در جای دیگر می فرماید: در این

اجتماع مقدس، حج اولاً - در مسائل سیاسی اسلام و ثانیاً - در مسائل خصوصی کشورهای اسلامی تبادل نظر کرده، ببینند

مشورت دارد، در نظر می گیرد و علاوه بر آن در هیأت وزیران بسیاری از لوایح و قوانین مورد بررسی قرار می گیرد. در سطح ملل اسلامی و به تعبیر امت واحده اسلامی رایزنی و مشورت و تبادل نظر باید به شکل مدرن و پویا انجام گیرد و زمانی مناسبتر از موسم حج و محلی نیکوتر از محل اجتماع بزرگ حج جهت تحقق این امر دیده نمی شود. اقوام و ملل مختلف می توانند از این فرصت استثنایی استفاده نمایند و آخرین تجارب سودمند خود را در اختیار مسلمانان قرار دهند و نقاط ضعف و قدرت را با نظر کارشناسی مطرح نمایند. در این صورت نشست سالانه و همایش بین المللی تبادل افکار شکل واقعی خود را پیدا می کند. حج می تواند مبدل به یک کنگره عظیم فرهنگی شود و اندیشمندان جهان اسلام در ایامی که در مکه و مدینه هستند، گرد هم آیند و افکار و ابتکارات خویش را به دیگران عرضه کنند. امام صادق علیه السلام یکی از فواید حج را همین رایزنی و تبادل فرهنگی می داند آنجا که می فرماید:

«فجعل فيه الاجتماع من الشرق والغرب ولتعارفوا... لتعرف آثار رسول الله ﷺ وتعرف اخباره ويذكر

معیار بهترین امت بودن مسلمانان این است که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و به خدا ایمان دارند. در اهمیت این موضوع همین بس که علی علیه السلام آن را برتر از همه اعمال نیک دانسته و می‌فرماید:

«اعمال البرِّ کلُّها والجهاد فی سبیل الله عند الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر الا کتفنه فی بحر لَجِّی».

«همه کارهای نیک و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر جز دمیدنی در دریای پهناور نیست.»<sup>۴۶</sup>

و امام باقر علیه السلام آن را فریضه زیر بنا و پایه دیگر اعمال می‌داند و می‌فرماید:

«ان الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر سبیل الأنبیاء ومنهاج الصلحاء وفریضة عظیمة بها تقام الفرائض».

«امر به معروف و نهی از منکر راه و روش پیامبران و صالحان است. فریضه‌ای بزرگ است که در پرتو آن دیگر فرایض برپا می‌شود.»<sup>۴۷</sup>

و رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إذا أمتی تواکلت الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر فلیأذنوا بوقاع من الله».

که در داخل کشورها با دست استعمال و عمال آن بر برداران مسلمان آنان چه می‌گذرد.<sup>۴۴</sup>

## ۵- اجرای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر:

یکی از ابعاد اجتماعی حج، انجام مسؤلیت همگانی و نظارت عمومی و ملّی امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف و نهی از منکر اختصاص به مسائل فردی و فرعی و جزئی ندارد و از تکیه و تأکیداتی که اسلام بر این فریضه دارد و توییح شدیدی که تارکان آن را کرده، معلوم می‌شود که نظر اسلام تنها به اصلاح فرد و تغییر در روش و گفتار افراد نیست بلکه افزون بر آن، اصلاح اجتماع در سرلوحه برنامه‌های اسلام قرار دارد. قرآن مجید امتی را می‌ستاید که به این وظیفه خطیر عمل می‌کنند آنجا که می‌فرماید:

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ»

«شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدید آمده‌اند؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید.»<sup>۴۵</sup>

انقلاب و ارائه خط مشی‌های سیاسی در پرتو احکام قرآن و نقش عظیم روحانیت اسلام در رهبری مردم و جامعه نقش کارسازی باید ایفا بنمایند.»<sup>۵۰</sup>

### ج - بعد سیاسی حج ابراهیمی:

یکی از ابعاد مهم حج ابراهیمی، بعد سیاسی آن است و شاید مهم‌ترین نقطه تمایز بین حج ابراهیمی و حج غیر ابراهیمی همین بعدب سیاسی حج باشد که متأسفانه مورد غفلت بسیاری از مسلمانان قرار گرفته است. امام راحل علیه السلام به منظور احیای حج ابراهیمی همواره در پیام‌ها و سخنرانی‌ها از این موضوع سخن گفته‌اند و در موارد مختلف بر اجرای آن تأکید ورزیده‌اند. و نیز غفلت از این امر خطیر را ناشی از توطئه تبلیغاتی استکبار جهانی می‌داند و می‌فرماید:

«از همه ابعاد آن (حج)، مهجورتر و مورد غفلت‌تر، بُعد سیاسی این مناسک عظیم است که دست خیانتهکاران برای مهجوریت آن بیشتر در کار بوده و هست و خواهد بود.»<sup>۵۱</sup>

در جای دیگر می‌فرماید:

«مع الأسف دامنه تبلیغات گمراه‌کننده به

«هرگاه امت من امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، اعلام جنگ با خدا نموده‌اند.»<sup>۴۸</sup>

حج ابراهیمی حجتی است که زمینه تحقق این فریضة الهی را فراهم نماید و به راستی کدام اجتماع از این اجتماع پرشکوه حج بالاتر و کدام فرصت و شرایط سزاوارتر که بتوان این فریضة مهم را در سطح وسیع به مرحله اجرا در آورد؟! امام بزرگوار علیه السلام در پیام‌های خود به این نکته اشاره کرده‌اند:

«به دانشمندانی که در این اجتماع شرکت می‌کنند از هر کشوری که هستند لازم است برای بیداری ملت‌ها بیانیه‌های مستدلی با تبادل نظر صادر کرده و در محیط وحی بین جامعه مسلمین توزیع نمایند و نیز در کشورهای خود پس از مراجعت نشر دهند و در آن بیانیه‌ها از سران کشورهای اسلامی بخواهند که اهداف اسلام را نصب‌العین خود قرار داد، اختلافات کنار گذاشته برای خلاصی از چنگال استعمار چاره بیندیشند.»<sup>۴۹</sup>

در جای دیگر می‌فرماید:

«در این فرصت مغتنم، روحانیون معظم و مسؤولین تبلیغات حج برای انتقال تجارب



قدری بوده و هست که دخالت در هر امر اجتماعی و سیاسی را در جامعه مسلمین برخلاف وظایف روحانیون و علمای دین می‌دانند و دخالت در سیاست را گناهی نابخشودنی می‌خوانند»<sup>۵۲</sup>

با توجه به این تبلیغات گسترده و ذهنیت تفکیک حج از سیاست، امام رابطه حج و سیاست را به وضوح مطرح ساخت و فرمود:

«حج از آن روزی که تولد پیدا کرده است، اهمیت بُعد سیاسی‌اش کمتر از بعد عبادی‌اش نیست. بعد سیاسی علاوه بر سیاستش خودش عبادت است.»<sup>۵۳</sup>

اصرار امام علیه السلام تا جایی است که حج بدون سیاست را حج نمی‌داند و می‌فرماید:

«حج کانون معارف الهی است که از آن محتوای سیاست اسلام را در تمامی زوایای زندگی باید جستجو نمود... ولی چه باید کرد و این غم بزرگ را به کجا باید برد که حج بسان قرآن مهجور گردیده است و به همان اندازه‌ای که آن کتاب زندگی و کمال و جمال در حجاب‌های خودساخته ما پنهان شده است و این گنجینه اسرار آفرینش در دل خروارها خاک کج فکری‌های ما دفن و پنهان گردیده است و زبان انس و هدایت هر زندگی و

فلسفه زندگی‌ساز او به زبان وحشت و مرگ و قبر تنزل کرده است. حج نیز به همان سرنوشت گرفتار گشته است. سرنوشتی که میلیون‌ها مسلمان هر سال به مکه می‌روند و پا جای پای پیامبر و ابراهیم و اسماعیل و هاجر می‌گذارند ولی هیچ‌کس نیست که از خود بپرسد ابراهیم و محمد علیهما السلام که بودند و چه کردند. هدفشان چه بود. از ما چه خواسته‌اند؟ گویی به تنها چیزی که فکر نمی‌شود به همین است مسلم حج بی‌روح و بی‌تحرك و قیام، حج بی‌برائت، حج بی‌وحدت و حجی که از آن هدم کفر و شرک برنیاید حج نیست.»<sup>۵۴</sup>

امام اقامه حج ابراهیمی و محمدی علیهما السلام را در گرو برائت که یک نوع حرکت سیاسی است می‌داند و می‌فرماید:

«در این مقطع زمانی تکلیف الهی حجاج است که اگر مطلبی از گویندگان شنیدند که بوی ایجاد اختلاف بین صفوف مسلمانان را می‌دهد انکار کنند و برائت از کفار و سردمداران آنان را از وظایف خود در مواقف کریمه بدانند تا حج آنها حج ابراهیمی ابوالانبیاء - صلوات الله علیه - باشد و حج محمدی علیه السلام و الا «ما اکثر الضحیح و اقل الحجیح» درباره آنها صادق است.»<sup>۵۵</sup>

﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئاً وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾

«به خاطر بیاور زمانی را که محل خانه کعبه را برای ابراهیم آماده ساختیم و به او گفتیم چیزی را شریک من قرار مده و خانه‌ام را برای طواف‌کنندگان و قیام‌کنندگان و رکوع‌کنندگان و سجود‌کنندگان پاک گردان.»<sup>۵۶</sup>

امام راحل<sup>۵۷</sup> در تفسیر این آیه می‌فرماید: «این تطهیر از همه ارجاس است که بالاترین آنها شرک است که در صدر آیه کریمه است.»<sup>۵۷</sup> اما دستوری که خدا به رسول اکرم<sup>ﷺ</sup> داده است: ﴿وَأَذَانُ مِنْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ...﴾

«این اعلامی است از طرف خدا و پیامبرش به عموم مردم در روز حج اکبر که خداوند فرستاده او از مشرکان بیزارند.»<sup>۵۸</sup>

در ادامه می‌فرماید: «کدام خانه‌ای سزاوارتر از کعبه و خانه امن و طهارت و الناس که در آن به هرجه تجاوز و ستم و استثمار و بردگی و یا دون‌صفتی و نامردمی است عملاً و قولاً پشت شود و در تجدید میثاق الست بر یکم بت‌آله‌ها و اربابان متفرقون شکسته شود و خاطره مهم‌ترین و بزرگ‌ترین

بعضی ممکن است تصور کنند بعد سیاسی حج از ابتکارات رهبر کبیرانقلاب حضرت امام خمینی<sup>ﷺ</sup> است و پیشینه تاریخی ندارد. امام<sup>ﷺ</sup> این پندار نادرست را که از جهل و غفلت و عدم آشنایی با قرآن و حدیث سرچشمه می‌گیرد، ناصحیح می‌داند و می‌فرماید:

«سیاست حج، سیاستی نیست که ما درست کرده باشیم حج سیاست اسلامی است ما از اول بنایمان بر این بوده است به حج آن طوری که بوده است عمل کنیم، همان‌طور که پیغمبر اکرم بت‌ها را در کعبه شکست ما هم بت‌ها را بشکنیم و این بت‌ها که در زمان ما هستند از آن زمان بالاتر و بدترند.

اما محورهای بعد سیاسی حج عبارتند از:

### الف - براءت از مشرکین:

مهم‌ترین محور بعد سیاسی حج، براءت از مشرکین است. امام در اثبات این امر به سنت ابراهیمی و محمدی<sup>ﷺ</sup> تمسک کرده و پیروی از آن را لازم دانسته‌اند. قرآن مجید فلسفه بنای خانه کعبه را دعوت به توحید و نفی شرک می‌داند و می‌فرماید:





قدرت اسلام و رژه جمعی امت اسلامی است. علی علیه السلام می فرماید: «الحج تقویة للدين»؛ «خداوند حج را برای تقویت آیین اسلام تشریح کرد.»<sup>۶۲</sup> به این انتظار از حج وقتی جامه عمل پوشیده می شود که خانه مقدس خدا رمز وحدت مردم و مرکز اجتماع دل‌ها و همایش سیاسی جامعه اسلامی باشد. اگر می بینیم در روایات، حج به عنوان جهاد افراد ضعیف تلقی شده است، آنجا که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «هو (الحج) احد الجاهدين هو جهاد الضعفاء»؛ «حج یکی از دو جهاد است، حج جهاد ضعیفان است.»<sup>۶۳</sup>

معلوم می شود که همان آثار و ثمراتی که جهاد دارد، حج نیز داراست. جهاد جنگ مسلحانه با کافران و حج جنگ سرد با کافران است؛ چون حج محل نمایش اقتدار و عظمت امت اسلامی است. یکی دیگر از ابعاد سیاسی حج ایجاد رابطه مردم با رهبری است؛ زیرا ابعاد دیگر حج مانند اتحاد و یکپارچگی و اهتمام به امور مسلمین و غیره در سایه رهبری و امامت قابل تحقق است. بر این اساس موسم حج زمان مناسبی برای تجدید پیمان با ولی امر مسلمین است و روایات بسیاری در این باره وجود دارد؛ از جمله امام باقر علیه السلام مناسک

حرکت سیاسی پیامبر صلی الله علیه و آله در «وَأَذَانُ مِنْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ» زنده بماند و تکرار شود؛ چرا که سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و اعلام برائت کهنه شدنی نیست.»<sup>۵۹</sup> ممکن است کسی بگوید: اعلام برائت از مشرکین، یک مانور سیاسی بود که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله به مرحله اجرا در آمد چه دلیلی بر انجام آن مانور سیاسی در زمان کنونی وجود دارد؟ امام با توجه به این شبهه می فرماید:

«فریاد برائت از مشرکان، مخصوص به زمان خاص نیست. این دستور است و جاوید.»<sup>۶۰</sup>

ممکن است توهم شود که اعلام برائت از مشرکین در موسم حج چه ضرری متوجه استکبار می کند و چه نفعی برای امت اسلامی دارد؟ امام در پاسخ این پرسش چنین می گوید: «راهپیمایی مکه و مدینه است که بسته شدن شیرهای نفت عربستان را به دنبال دارد. راهپیمایی های برائت در مکه و مدینه است که به نابودی سرسپردگان شوروی و امریکا ختم می شود.»<sup>۶۱</sup>

#### ب - نمایش قدرت اسلام

برائت از مشرکان، علاوه بر اعلام نفرت و تبری از دشمنان اسلام، نمایش

بیایند سپس به دور آنها طواف کنند آنگاه به پیشگاه ما آمده از ولایت خودشان نسبت به ما خبر دهند و نصرت و یاری خود را در تمام زمینه‌ها به ما عرضه کنند.»<sup>۶۵</sup>

بدون رهبری را به منزله انجام اعمال پیرامون سنگ می‌داند که از روح و معنا خارج است.<sup>۶۴</sup>

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«مردم دستور دارند به سوی این سنگ‌ها

### ● پی‌نوشتها:

- ۱- حج: ۲۷
- ۲- صحیفه نور، ج ۹، ص ۲۲۴
- ۳- همان، ج ۲۰، ص ۱۸
- ۴- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۲۷
- ۵- همان.
- ۶- آل عمران: ۹۷
- ۷- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۵
- ۸- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۹۷
- ۹- همان، ج ۲۰، ص ۲۲۸
- ۱۰- وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۵
- ۱۱- صحیفه نور، ج ۹، ص ۲۳۸
- ۱۲- بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۸
- ۱۳- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۹۹
- ۱۴- مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۱۱
- ۱۵- سفینه البحار، ج ۲، ص ۷۱
- ۱۶- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۴
- ۱۷- همان.
- ۱۸- حج: ۲۸-۲۷
- ۱۹- تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۷۲
- ۲۰- ماده: ۹۷



- ۲۱- بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۲
- ۲۲- وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۹
- ۲۳- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۳۱
- ۲۴- همان، ج ۱۸، ص ۶۶
- ۲۵- آل عمران: ۱۰۳
- ۲۶- آل عمران: ۱۰۵
- ۲۷- انفال: ۴۶
- ۲۸- حجرات: ۱۰
- ۲۹- نهج البلاغه، تصحیح فیض الاسلام، خطبه ۱۲۷
- ۳۰- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۹۰
- ۳۱- همان، ج ۱، ص ۱۵۶
- ۳۲- صحیفه نور، ج ۹، ص ۲۲۵
- ۳۳- اصول کافی، ج ۳، ص ۲۳۸
- ۳۴- گلستان، باب ۲
- ۳۵- صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۷۲
- ۳۶- همان، ج ۹، ص ۲۲۶
- ۳۷- همان، ج ۱، ص ۱۵۶
- ۳۸- آل عمران: ۱۵۹
- ۳۹- شوری: ۳۸
- ۴۰- ابوالفتح رازی، تفسیر روح الجنان، ج ۱، ص ۶۷۴
- ۴۱- نهج البلاغه، تصحیح فیض الاسلام، خطبه ۲۰۷
- ۴۲- وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۹
- ۴۳- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۳۱
- ۴۴- همان، ج ۱، ص ۱۵۷
- ۴۵- آل عمران: ۱۱۰
- ۴۶- نهج البلاغه، قصار.
- ۴۷- وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۵
- ۴۸- همان، ص ۳۹۴
- ۴۹- صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۵۶
- ۵۰- همان، ج ۲۰، ص ۱۲۵

- ۵۱- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۳  
۵۲- همان، ص ۴۱  
۵۳- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۶۶  
۵۴- همان، ج ۲۰، ص ۲۲۷  
۵۵- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۶  
۵۶- حج: ۲۶  
۵۷- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۸۷  
۵۸- توبه: ۳  
۵۹- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۱۱  
۶۰- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۱  
۶۱- همان، ص ۲۳۳  
۶۲- نهج البلاغه، قصار ۲۵۲  
۶۳- الوافی، چاپ اول، ج ۱۲، ص ۲۱۵  
۶۴- عیون الاخبار، ج ۲، ص ۲۶۲  
۶۵- بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۷۴